

شرح مسیت و پنج مقدمہ در اثبات باری تعالیٰ

از کتاب

دلائل البرہان فی اثبات الوجود

از
ابو عبد اللہ محمد بن ابی بکر بن محمد تبریزی

باہتمام

مہدی محقق

باز ترجمہ فارسی

سید جعفر سجادی



انجمن آثار و معارف اسلامی

۱۳۸۶

سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

شماره ۴۸۲

شرح بیست و پنج مقدمه در اثبات باری تعالی

- از کتاب دلالة الحائرين ابن میمون ● تألیف: ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن محمد تبریزی ● به اهتمام: مهدی محقق ● با ترجمه فارسی: سید جعفر سجادی
- ناظر فنی چاپ: محمد رفوف مرادی ● لیتوگرافی: باختر ● چاپ: دالاهو ● صحافی: کیانی ● نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶ ● شمارگان ۱۰۰۰ نسخه ● همه حقوق محفوظ است

ISBN: 978-964-528-122-7

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۸-۱۲۲-۷



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

دفتر مرکزی: تهران - خیابان ولی عصر - پل امیر بهادر - خیابان سرگرد بشیری
شماره ۱۰۰ - تلفن: ۵۵۳۷۴۵۳۱-۳، دورنویس: ۵۵۳۷۴۵۳۰
دفتر فروش: خیابان انقلاب بین خیابان ابوریحان و خیابان دانشگاه - ساختمان
فروردین - شماره ۱۳۰۴، طبقه چهارم - شماره ۱۴؛ تلفن: ۶۶۴۰۹۱۰۱

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

بسمه تعالی

پیشگفتار

کتاب حاضر که بوسیله فیلسوف و متکلم و عارف ناشناخته تبریزی یعنی ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن محمد تألیف گردیده از دو جهت دارای اهمیت است. یکی آنکه نشان دهنده اینست که تاجه اندازه فلسفه و کلام اسلامی در زیر بنای فکری و عقلی سایر ملل اثر داشته و دیگر اینکه توانائی نیروی علمی فیلسوفی ایرانی را در نقد و تحلیل یکی از مهمترین و معروفترین آثار قرون وسطی آشکار می سازد.

این کتاب در سال ۱۳۲۹ هجری قمری از روی نسخه ای منحصر بفرد در قاهره بوسیله محمد زاهد الکوثری بطبع رسید و نیز هنگامی که کتاب دلاله الخاترین باخط عربی در سال ۱۹۷۲ بوسیله دانشکده الهیات دانشگاه انکارا چاپ شد مصحح کتاب دکتر حسین آتای استاد علم کلام و اصول دین و رئیس آن دانشکده شرح تبریزی را بتمامه در پاورقی آن کتاب آورد.

از آنجا که تدوین تاریخ فلسفه و کلام اسلامی و نشان دادن تحول جریان های فکری و اندیشه های فلسفی در اسلام خاصه در بستر اصلی خود یعنی سرزمین ایران مستلزم اینست که کتابها و رساله های دانشمندان بصورت مطلوب چاپ و منتشر گردد و با ترجمه فارسی برای ارزیابی و نقد و تحلیل در دسترس اهل علم قرار گیرد متن عربی کتاب همراه با ترجمه فارسی آن به جویندگان دانش تقدیم می شود و این برای نخستین بار است که چهره علمی مولف کتاب که تاکنون نامش در بیرون از این دیار بوسیله ترجمه های خارجی این کتاب در آثار علمی و فلسفی مکرراً مشاهده می گردید در مولد و منشأ او یعنی ایران نمایان می گردد و دانشمندان مجال این را می یابند که این اثر موجز را که در باره مهمترین مسائل کلامی یعنی اثبات وجود باری تعالی و یگانگی او تألیف گشته مورد بحث و بررسی قرار دهند.

چنانکه یاد شد چون شرح بیست و پنج مقدمه از روی نسخه‌ای منحصر بفرد چاپ گردیده بود مجال تصحیح و مقابله پیدا نشد فقط متن بیست و پنج مقدمه چاپ کوثری با چاپ دکتر حسین اتای مقابله و موارد اختلاف آن در پایان بخش عربی یاد گردید و برای اینکه دانشجویان به معادل فرهنگی اصطلاحات فلسفی و کلامی آشنا گردند ترجمه انگلیسی بیست و پنج مقدمه را که بوسیله س. پینس انجام یافته در پایان کتاب آورد امید است که این اثر مورد استفاده دانشمندان خاصه اهل فلسفه و کلام و نیز آنان که به فلسفه و کلام تطبیقی همت می‌گمارند قرار گیرد.

در پایان از استاد محترم دکتر سید جعفر سجادی که این کتاب را به فارسی ترجمه کرده و فهم آن را برای دانشجویان ایرانی آسان ساخته‌اند سپاسگزاری می‌نماید.

هشتم خرداد ۱۳۶۰

مهدی محقق

ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن محمد تبریزی

از مولف کتاب نشانه صریحی در دست نیست و آنچه که تاکنون در باره او نوشته شده و در اختیار نگارنده قرار گرفته عبارتست از :

۱- ۱۰۵. ولفسن استاد دانشگاه هاروارد در کتاب انتقاد کرسکاس بر ارسطو آنجا که بحث از تفاسیر کتاب دلالة الحائرين می کند می گوید :

بر کتاب « دلالة الحائرين » تفسیرهای متعددی نوشته شده تا دانشجویان را در فهم مباحث فلسفی و کلامی یاری نماید ولی بریست و پنچ مقدمه چهار تفسیر در طی قرنهای سیزدهم و چهاردهم نوشته شده که از همه مهمتر و با ارزش تر شرح تبریزی دانشمند قرن هفتم هجری است زیرا او هر چند باصل آثار ارسطو دسترسی نداشته ولی می توانسته مستقیماً از منابع عربی استفاده کند^۱.

۲- ۱. ولفسون (ابود ویب) استاد زبانهای سانی در دارالعلوم قاهره می گوید : ابوبکر محمد بن محمد تبریزی از دانشمندان قرن سیزدهم میلادی شرحی مطول بر برخی از فصول جزء دوم از این کتاب نوشته و اسحق بن نثن قرطبی این شرح را در سال ۱۵۵۶ م. بزبان عبری ترجمه کرده و در سال ۱۵۷۴ در ونیز چاپ شده است و نیز ترجمه دیگری بهمان زبان از ادیبی گمنام در دست است^۲.

۳- محمد زاهد الکوثری در مقدمه کتاب می گوید :

مولف کتاب حکیم بارع رئیس ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن محمد تبریزی از

۱- H. A. Wolfson, *Crescas Critique of Aristotle*,

(Harvard University press 1929), P. 2 - 3

۲- موسی بن میمون حیاته و مصنفاته، (قاهره مطبعة لجنة التاليف والترجمة والنشر

رجال نیمه^۱ [دوم] قرن هفتم هجری است از طبقه‌ای که از شاگردان قطب الدین مصری بوده‌اند بنابراین شارح مقدمات معاصر نصیرالدین طوسی بوده در آن زمان که تبریز عاصمه^۲ خاندان هلاکو و مجمع فیلسوفان بود.^۱ بنا بر گفته^۳ محمد زاهد الکوثری می‌توان ابوعبدالله تبریزی را در طبقه^۴ سیزدهم از فیلسوفان اسلام یعنی هم طبقه^۵ خواجه طوسی و اثیرالدین ابهری و کاتبی قزوینی مندرج ساخت.^۶

۴- ابواسحاق ابراهیم بن محمد معروف به غضنفر تبریزی^۷ در رساله^۸ «المشاطه لرساله الفهرست»^۹ که آن را به عنوان ذیلی بر رساله^{۱۰} ابوریحان در باره^{۱۱} کتابهای رازی^{۱۲} نگاشته آنجا که آشنائی خود را با برخی از آثار ابوریحان اظهار می‌دارد اشاره به ابوعبدالله تبریزی می‌کند اینک گفته^{۱۳} غضنفر نقل می‌شود:

«اکنون از داستان حال خود با او ترا آگاه می‌گردانم، از زمان مرگ اوتا هنگام تولد من صد و هشتاد و چهار سال فارسی است. وزمانی که من به دهسالگی رسیدم از میان همه^{۱۴} علوم به دانش ستاره شناسی شیفته گردیدم و این را انگیزه‌ای از بیرون نبود بلکه غریزه و مقتضای طالع من آن را باعث گردید، با وجود آنکه پدرم سخت من را از این

۱- المقدمات الخمس والعشرون فی اثبات وجود الله و وحدانیته و تنزهه من ان یکون جسما او قوة فی جسم من دلالة الحائرين تألیف ابی عمران موسی بن سیمون (قاهره ۱۳۶۹)، ص ۲۲ و ۲۳ مقدمه.

۲- مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران (قم، انتشارات صدرا ۱۳۵۷)، ص ۵۷۰ و ۵۷۱.

۳- نسخه منحصراً بفرستاد کتاب الصیدنة ابوریحان بیرونی بوسیله همین غضنفر تبریزی در سال ۹۷۸ کتابت شده است. رجوع شود به صفحه اول «کتاب الصیدنة فی الطب» به تحقیق حکیم محمد سعید ودکتر رانا احسان الهی، کراچی ۱۹۷۴.

۴- این رساله ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه لیدن هلد بشماره ۱۳۳ موجود است میکروفیلمی از آن بشماره ۹۵۸ و نسخه‌ای عکسی بشماره ۲۵۸۳ از این مجموعه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.

۵- رساله ابوریحان فی فهرست کتب الرازی در سال ۱۹۳۶ بوسیله پول کراوس در پاریس چاپ شده نگارنده (= مهدی محقق) آن را با اصلاحاتی همراه با ترجمه فارسی با انضمام رساله المشاطه لرساله الفهرست چاپ کرده که بزودی بوسیله دانشگاه تهران منتشر می‌شود.

عمل جلوگیری می کرد و من ناچار به پنهانی از او خود را به مداخل و جداول آن دانش مشغول می داشتم تا آنکه عمر من از بیست درگذشت و روزی به کتاب او که موسوم به «التفهیم» است برخورددم و پس از درنگ در معانی آن به برتری آن پی بردم ولی از جهت آنکه من ممارست در عربی و کتب ادبی نداشتم الفاظ و عبارات آن کتاب بر من دشوار می آمد و مرا یارای گشودن همه دشواریهای آن نبود و جانم آرام نمی گرفت زیرا که بآن دسترسی نمی یافت، از این روی همچون دشمنی بر مصنف این کتاب برانگیخته شدم و از سخنان او اعراض کردم و بغضی سخت و گمانی نادرست به سبب دشواری در فهم و یقینی در رسیدن به معانی آن بر من چیره گشت و گمان بردم که مصنف آن بعد از مردی متصنع و متکلف در سخن است تا آنکه مردم درباره او سرگشته گردند و به جهت نفهمیدن شأن او را به فضیلت و راعت منسوب گردانند. و واقعاً این خصلتی زشت از من بود و مدتی در این گمراهی و نابینائی بسر بردم و هرگاه که نام او به گوش من می رسید نفس از او می رمید همچون خری که از شیر می رمد و با وجود این از آن جدا نمی گشتم بلکه همت بر تحصیل آن می گذاشتم هر چند که پس از زمانی حصول دست می داد تا آنکه پاره ای از کتاب «پانتجل» که بوسیله استاد رئیس گزارش شده بود بدستم رسید و آن را از کتاب «التفهیم» دشوارتر باقم و نفهمیدم که در آن چیست سپس طلب من افزون گشت در جستجو از حال این مرد که آیا مزور و متکلف است یا محق و مصیب ولی من خود در این داوری کوتاه دست و گمان مند بودم ناچار آن قسمت از کتاب پانتجل^۱ را بر سید و مولای خود بلکه آنکس که مرا از خوی حیوانی و بهیمی رهانده و از برکات روان پاک خود بآنچه که اکنون بآن رسیده ام رسانده است یعنی حکیم الهی و شیخ ربانی جامع علوم پیشینیان و پسینیان افسر حق

۱- ابوریحان در رساله خود از این کتاب به عنوان «ترجمة کتاب پانتجل فی الخلاص من الارتباك» یاد کرده است. رساله ص ۳۶ چاپ دانشگاه تهران. این کتاب از روی نسخه منحصر بفردی که در استانبول موجود بود بوسیله خاورشناس آلمانی هلموت ریتر در مجله اورینس Oriens ص ۲۰۰-۱۶۵ در سال ۱۹۵۶ چاپ شده و سلیمان پونس مقاله ای در مجله مدرسه السنه شرقیه لندن B.S.O.A.S. ۳۲۵-۳۰۲ در سال ۱۹۶۶ نوشته و در آن فصل اول این کتاب را با اصل سالسکریت آن مقایسه کرده است.

و ملت و دین ابو عبدالله محمد بن ابی بکر تبریزی - خداوند روان او را بلند و خاك او را پاك گرداناد - عرضه داشتم او چنان در این کتاب فرو رفت که پیش از آن - و نه پس از آن - چنان حالی از او ندیده بودم من از او سخت در شگفت شدم زیرا عادت او - خداوند روانش را پاك گرداناد - بر آن بود که هر گاه کتابی از هر دانشمندی بدستش می رسید نظری کوتاه در آن می افکند بدون آنکه در آن به سختی فرو رود و یا التفات فراوانی بنماید گوئی نظر در چیزی می کرد که درون دلش جای داشت هر چند که آن از دشوارترین علوم غامضه و سخت ترین مسائل مغلقه بود . سپس آنگاه که پس از زمان درازی از مطالعه آن فارغ شد همچون حسرت زدگان آهی کشید در حالی که چشمانش اشکبار شده بود چنانکه عادت او بود هنگام مطالعه و بحث در علوم الهی و اسرار ربوبی و سخنان روحانی . پس از آنکه به حالت نخستین خود برگشت کتاب را به من پس داد و من از او پرسیدم معنی و مقصود این کتاب چیست او پاسخ داد که این کتاب وضع شده تا دستوری باشد برای رهایی نفس از علائق بدنی و نجات آن از عالم جسمانی بوسیله ریاضت ها و عبادت های گوناگون و توجه خالص محض به جنبه های عالی و فوائدی دیگر از این قبیل ، همه اینها را با عباراتی عالی بیان کرد که من جز کمی از آن را که به همان الفاظ ذکر کردم بیاد ندارم^۱ .

عبدالله موسی بن میمون

عبدالله موسی بن میمون قرطبی فیلسوف و طبیب و متأله یهودی که نزد اروپائیان به Moses Maimonides اشتباه دارد از دانشمندان مشهور قرون وسطی^۱ بشمار می رود . او در سال ۵۳۰ هـ . ق / ۱۱۳۵ م در یکی از بزرگترین شهرهای اروپا یعنی قرطبه در اندلس تولد یافت ، این شهر در آن روزگار تحت فرمانروائی خلفای اموی بود که حدود سه قرن بر اسپانیا حکومت کردند . قرطبه از شهرهای مهم غرب محسوب می شد و با بغداد در شرق اسلامی رقابت می کرد ، و همان شهر است که در آن فیلسوف اسلامی معاصر ابن میمون یعنی ابن رشد در سال ۵۲۰ چشم بجهان گشود و ابن میمون از آثار او بهره مند گشت .

۱ - غضنفر تبریزی ، المشاطة لرسالة الفهرست ، دو ورق آخر .

ابن میمون سیزده ساله بود که در سال ۵۴۳ زادگاه خود را ترك گفت و در ۵۵۳ در شهر فاس از بلاد مراکش مستقر گردید. از اینکه ابن میمون در این شهر چه گونه عمر خود را سپری می ساخته آگاهی در دست نیست ولی آنچه مسلم است او از هر موقعیتی برای افزودن معلومات خود استفاده کرده و بفرافراغت کلام و طب و فلسفه پرداخته است. در سال ۵۶۱ بمصر مهاجرت کرد و در شهر فسطاط اقامت گزید و به طبابت اشتغال ورزید و بزودی مورد توجه القاضی الفاضل عبدالرحیم بن علی البیسانی متوفی ۵۹۶ قرار گرفت و بوسیله او بعنوان پزشک خاص بدرگاه عضد آخرین خلیفه فاطمی مصر معرفی گشت. وقتی در سال ۵۹۷ صلاح الدین ابوبی خلیفه نامبرده را برکنار کرد قاضی فاضل مشاور او گشت و بپایمردی او ابن میمون دو باره منصب پیشین خود را بدست آورد. صلاح الدین در سال ۵۸۹ وفات یافت و ابن میمون همان سمت را در درگاه پسر صلاح الدین احراز کرد تا سال ۶۰۱ که در سن شصت و نه سالگی در قاهره رخت از این جهان بر بست و آثار فراوانی در طب و فلسفه و کلام و منطق از خود برجای گذاشت.^۱

از مهمترین آثار ابن میمون در پزشکی «کتاب الفصول» او است که به «فصول موسی فی الطب» و یا «فصول القرطبی» معروف است که در آن از آثار پزشکی جالینوس التقاط کرده است^۲ و در دارو شناسی کتاب «شرح اسماء العقار» را نوشته که در آن از آثار ابن وافد و ابن سمجون و غافقی و ابن جناح و ابن جلیجل استفاده کرده است^۳ و در منطق نیز رساله ای نوشته که تحت عنوان مقالة فی صناعة المنطق منتشر شده و در آن از آثار فارابی

۱- برای آگاهی بیشتر از شرح احوال ابن میمون رجوع شود به کتاب «موسی بن حیاة و مصنفاته» از ولفنسون و همچنین به مقالة «ابن میمون فیلسوف و پزشک» از جورج سارتون، دانشگاه هاروارد ۱۹۶۲.

۲- رجوع شود به فیلسوف وی تالیف نگارنده، ص ۳۵۶-۳۵۲.

۳- این کتاب در سال ۱۹۴۰ از روی نسخه منحصر بفرد موجود در استانبول بوسیله «اکس سائرهوف چاپ شده.

بهره‌مند گشته است.^۱

در فلسفه و کلام مهمترین کتاب ابن میمون «دلالة الحائرين» است که بقول ابن تیمیه او همچون غزالی در میان مسلمانان کوشیده است که گفتارهای دینی را با گفتارهای فلسفی بیامیزد و برای آنها تاویل بخوبید.^۲ او این کتاب را بزبان عربی و بخط عبری نوشته و شاید منظورش از آن این بوده که مورد استفاده خواص قرار گیرد و عوام از مسلمانان و یهود بدان دست نیابند. در دلاله الحائرين از طرفی اقوال فیلسوفانی همچون ارسطو و شارحین آثار او یعنی امسطیوس و اسکندر افرویدیسی مورد بحث و انتقاد قرار گرفته و از طرفی دیگر اشاره به عقائد متکلمان معتزلی و اشعری شده است و نیز آراء و افکار دانشمندانی همچون غزالی و ابن باجه و ابن طفیل و ثابت بن قره و ابن وحشیة کلدانی و ابن افلح اشبیلی مورد بحث و تحلیل علمی قرار گرفته است. از میان فلاسفه اسلام او بیش از هر کس به ابونصر فارابی توجه داشته چنانکه در یکی از نامه‌های خود که به شاگردش ابن تبون نوشته تاکید می‌کند که فقط بر آثار فارابی اعتماد کند.^۳

نویسندگان اسلامی همچون قفطی و ابن ابی اصبیه تصریح کرده‌اند که ابن میمون پیش از آمدنش به مصر مسلمان شده و حتی بفرائض دینی عمل می‌کرده است.^۴ و ما اگر این قول را ضعیف بدانیم باز هم بقول شیخ مصطفی عبدالرازق می‌توانیم او را از فلاسفه اسلام بشمار آوریم.^۵ زیرا او در محیط علمی اسلامی پرورش یافته و از محضر استادان و مشایخ مسلمان بهره علمی برده و در آثار خود آثار دانشمندان اسلامی را نقل و مورد بحث قرار داده است همچون حنین بن اسحق مسیحی که عبدالکریم شهرستانی در کتاب الملل والنحل او را از جمله فلاسفه اسلام بشمار آورده است.^۶

مهدی محقق

۱- این مقاله در مجله دانشکده زبانها و تاریخ و جغرافیای دانشگاه آنکارا، ج ۱۸ شماره ۱-۲ سال ۱۹۶۰ ص ۶۴-۸۰ بوسیله پرفسور مباحات تورکر چاپ شده است.

۲- بیان موافقة صریح المعقول لصحیح المنقول، چاپ شده در حاشیه منهاج السنة النبویة ابن تیمیه، ج ۱ ص ۷۳، قاهره ۱۳۲۱.

۳- نامه‌های ابن میمون، گردآورده لئون د. استیت اسکین، نیویورک ۱۹۷۸، ص ۱۳۰.

۴- موسی بن میمون حیات و مصنفاته، ص ۳۰.

۵- مآخذ پیشین، مقدمه، ص ز.

۶- الملل والنحل شهرستانی، قاهره ۱۳۶۸، ج ۲ ص ۵.